

بررسی تطبیقی حکمت اشراق در معماری مساجد دوره صفویه و معاصر

چکیده

معماری اسلامی مانند دیگر انواع معماری، با معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی در فرهنگ جامعه مرتبط است. برای درک معماری سنتی اسلامی، یا هر صورت دیگری از معماری سنتی، شناخت شیوه نگرش‌های سنتی به کلیت معماری و اجزایش ضروری است. مهم‌ترین این اجزا فضا است. دوره صفویه (۱۱۳۵-۹۰۷ق) یکی از دوره‌های درخشان معماری در ایران است. این دوره تاریخی یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخی از نظر رونق فرهنگ و تفکر اسلامی نیز بوده است. در دوره معاصر با گسترش ارتباط با غرب معماری اسلامی نیز تا حدی تحت تأثیر نوآوری‌های جدید قرار گرفت. مسئله‌ای که می‌توان اینجا مطرح کرد میزان تأثیرپذیری معماری عصر صفویه و معماری دوره معاصر از نظر وجود نشانه‌های حکمت اشراق در آنهاست. این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی انجام شده است. معماری مسجد جامع اصفهان و مسجد الغدیر تهران به عنوان نمونه‌های بارز معماری دوره صفویه و دوره معاصر به عنوان دو اثر معماری مورد واکاوی قرار گرفته است و یافته‌های پژوهش حاکی از این است که عالم مثال در ذهن معمار دوره صفوی براساس آیات و روایات است، لذا در معماری مسجد امام اصفهان، حکمت اشراق به گونه‌ای آشکار بازتاب یافته است. در مسجد الغدیر خلوص احجام به کار رفته، به کارگیری مصالح و تزیینات آجری و کاشی‌کاری در نما، استفاده از عناصر و مفاهیم معماری گذشته و بیان جدیدی از آنها، بیانگر تأثیر نهضت‌های پست مدرنیسم در معماری دوره معاصر است.

اهداف پژوهش

۱. بازشناسی نشانه‌های حکمت اشراق در مسجد جامع اصفهان و مسجد الغدیر تهران

۲. بررسی تطبیقی معماری مسجد جامع اصفهان و مسجد الغدیر تهران

سؤالات پژوهش

۱. حکمت اشراق چه تأثیری بر معماری مسجد جامع اصفهان و مسجد الغدیر تهران دارد؟

۲. معماری مسجد امام اصفهان با مسجد الغدیر تهران چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟

واژگان کلیدی: مسجد امام اصفهان، مسجد الغدیر تهران، حکمت اشراق، معماری صفویه، معماری معاصر.

مقدمه

ایران همواره در حوزه معماری دارای آثار و سبک های منحصر به فردی بوده است. بخش عمده‌ای از این آثار متعلق به دوره اسلامی است. به طوری که در دوره صفویه هنر اسلامی- ایرانی و در امتداد آن معماری رونق یافت. بررسی معماری عصر صفویه نشاندهی رسوخ عمیق بنیان‌های فکری و فلسفی اسلامی در آن است. یکی از مکاتب فلسفی مربوط به دوره اسلامی مکتب اشراق است. ارتباط تنگاتنگ معماری عصر صفوی با فرهنگ اسلامی سبب گردیده است تا محققان به این مسئله توجه جدی داشته باشند. با گسترش روابط خارجی و افزایش داد و ستدهایی فرهنگی میان جوامع مختلف، ایران نیز از این ارتباط فرهنگی تأثیر پذیرفت. این تأثیر در ابعاد مختلف جامعه قابل مشاهده است. معماری نیز یکی از این عرصه‌هایی است که بدون شک تحت تأثیر این مسئله قرار گرفته است. با بررسی تطبیقی آثار باقیمانده از دوره صفوی به عنوان میراث فرهنگ اسلامی با معماری دوره معاصر می‌توان به کار بست مفاهیم و نمادهای حکمت اشراق در معماری این دوره دوره تاریخی پی برد. مسجد امام اصفهان به عنوان نماینده معماری عصر صفوی و مسجد الغدیر تهران به عنوان اثر معماری دوره معاصر انتخاب گردیده است. ضرورت انجام پژوهش در این حوزه از آنجا مشخص می‌شود که فرهنگ و مقتضیات آن تأثیر بسزایی در معماری دارد. بازشناسی این تحول می‌تواند راهگشای مدیریت طرح‌ها معماری باشد.

در خصوص این موضوع یعنی بررسی تطبیقی حکمت اشراق در معماری مسجد امام اصفهان و الغدیر تهران تاکنون اثر مستقلی به رشته تحریر در نیامده است. درباره بازتاب حکمت در معماری اسلامی مقاله‌ای با عنوان «بررسی ارتباط میان پیکربندی فضایی و حکمت در معماری اسلامی مساجد مکتب اصفهان و مسجد شیخ لطف‌الله» توسط محمدرضا بمانیان و همکاران به رشته تحریر در آمده است. نگارندگان معتقدند در حرکت از ایده‌های انتزاعی، شامل جهان‌بینی سیر و سلوک عارفانه در حکمت معماری ایرانی اسلامی، به طراحی فضا، متد چیدمان فضا ابزاری فضا در اختیار پژوهشگران قرار داد. از راه گفتمانی به روش رسانه‌ای نقبی زده شد. اگر مسجد را به عنوان زمینه‌ای برای بلوغ اجتماعی اسلامی در نظر آورد در حرکت از ایده‌های انتزاعی، شامل جهان‌بینی سیر سلوک عارفانه در حکمت معماری ایرانی اسلامی به طراحی فضا، متد چیده‌مان فضا ابزاری برای اطلاع‌رسانی بصری و منتقدانه در فضای آموزشی و طراحی می‌باشد(بمانیان و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵۵). پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی در پی واکاوی حکمت اشراق و جلوه‌های آن در معماری دوره صفویه و دوره معاصر است. مطالعه تطبیقی دو اثر از دو دوره متفاوت می‌تواند مشخص‌کننده میزان تأثیرپذیری آن‌ها از انگاره‌های فکری و فرهنگی رایج در هر دوره تاریخی باشد.

می‌شوند(دیباچی، ۱۳۹۰: ۴-۵). بحث نور یکی از مهم‌ترین مسائل فلسفه شیخ اشراق است. سهرودی هیچگاه در آثار خود به اصالت وجود یا اصالت ماهیت نپرداخته است و اگر بخواهیم نامی برای فلسفه او قائل شویم شاید بهترین عنوان اصالت نور یا انوار است. سهرودی وجود را از اعتبارات عقلی محض می‌داند؛ نور و وجود را به یک معنا به کار نمی‌برد، بلکه نور را مترداف ظهور و حیات گرفته و آن را «ظاهر بلذات» و «مظهر للغير» و «حی دراک فعال» و وجود را مشتمل بر نور و ظلمت می‌داند(حکمت، حاجی زاده، ۱۳۹۱: ۱۷). نور، استعاره فلسفی است که در حکمت اشراق، با دو جنبه هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی به کار گرفته شده است تا بتواند براساس تعریفی که سهرودی از حکمت دارد، سلوک حکمی مورد نظر او را نشان دهد. در حکمت اشراق، نور عبارت است از خود حقیقت و شیئیت. این حقیقت و شیئیت در عین حال، دو مرتبه ظهور در اعیان و در عالم مثال انسانی دارد. نور همچنین می‌تواند یکپارچگی واقعیت را به ذهن القا کند و حتی مرزهای مادی و مجرد را برداشته آن چه را که مادی است اما مستنیر یا منور نیست به کناری زده، همه عالم را با تفاوت مراتب آن، یک حقیقت معرفی نماید(دیباچی، ۱۳۹۰: ۱۹). بنابراین در حکمت اشراق همه چیز رو به سوی یک هدف دارند و آن وحدت در میان همه موجودات و اشیاء موجود در جهان هستی است. بازتاب حکمت اشراق و تأکید بر اهمیت نور در فرهنگ اسلامی و به موازات آن در معماری اسلامی نیز مشهود است. نور، غیر مادی‌ترین عنصر محسوس طبیعت، همواره در معماری ایرانی وجود دارد و در واقع نشانه عالم والا و فضای معنوی است. در دوران معماری سنتی نحوه نگاه به نور تحت تأثیر تفکر اسلامی به عالی‌ترین درجه خود رسید و مظهر تقدس و عالم معنوی شناخته می‌شود. معماری ایرانی معماری حقیقت‌جوست، حقیقت در معماری کمال است و کمال از آن باری تعالی است و هر چه در این معماری وجود دارد، رو به سوی حقیقت دارد. نور نشانی از حرکت به سمت حقیقت است(مهدی‌زاده و قانع زارع، ۱۳۹۵: ۱۰). با این تفاسیر، بررسی نور و جلوه‌های حکمت اشراق در معماری اسلامی قابل تأمل است.

نتیجه‌گیری

معماری اسلامی بیش از هر چیز در وجود مسجد متجلی شده است که خود تجسم هماهنگی، نظم و آرامش در طبیعت است. مسجد نیایشگاه مسلمانان و به معنی مکان سجده است. فضایی که پروردگار آن را به‌مثابه خانه همیشگی مسلمانان برای عبادت تعیین کرده است. معماری مساجد در دوران‌های مختلف دستخوش تحولات گوناگونی بوده و هر دوره تاریخی ویژگی‌های خاص خود را نمایان کرده است. مقایسه تطبیقی بین مسجد امام اصفهان و مسجد الغدیر تهران به عنوان دو نمونه از دو دوره‌ی مختلف صفوی و معاصر، نشان‌دهنده ویژگی‌های معماری دوران خود می‌باشند. در جدول ۳، مقایسه‌ی تطبیقی بین این دو نمونه بیان شده است. مسجد امام با مسجد جامع یا همان عتیق اصفهان تفاوت دارد. مسجد امام در گذر تاریخ به نام‌های متفاوتی خوانده شده است. مسجد شاه، مسجد سلطانی جدید و مسجد جامع عباسی مشهورترین نام‌های آن هستند. گاهی نیز به مسجد مهدیه یا المهدی معروف بوده است. پس از انقلاب همانند بسیاری دیگر از بناهای ایران به مسجد امام تغییر نام داد و هم اکنون با همین نام شناخته می‌شود. مسجد

الغدیر جزو این دسته از بناهاست که با توجه به اسلوب‌های مورد توجه در معماری اسلامی و تکنولوژی مدرن در نواحی شمالی شهر تهران با طرح جهانگیر مظلوم یزدی بین سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ خورشیدی ساخته شده است. مسجد امام اصفهان در معماری فضا و تزئینات انعکاسی از فرهنگ اسلامی و تفکر فلسفی مکتب اشراق است و وحدت در عین کثرت در آن مشهود است. مسجد الغدیر تهران با داشتن رگه‌های از معماری سنتی، نشان‌دهنده سنت‌های جدید معماری نوین از نظر شکل بیرونی و درونی بنا است. در حالی که کاربست تزئینات در معماری مسجد امام اصفهان در شکل خطوط و رنگ‌ها دیده می‌شود در مسجد الغدیر تهران ترکیب اشکال هندسی دیده می‌شود.

منابع

- اردلان، نادر، بختیار، لاله (۱۳۸۰)، حس وحدت، ترجمه حمید شاهرخ، تهران: انتشارات خاکسار.
- احوال بزرگان: شیخ لطف‌الله عاملی (۱۳۲۳)، مجله یادگار، شماره ۱، صص ۶۰-۵۲.
- بمانیان، محمدرضا، پورجعفر، محمدرضا، احمدی، فریال، صادقی، علیرضا (۱۳۸۹)، «بازخوانی هویت معنوی و انگاره‌های قدسی در معماری مساجد شیعی»، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۳۰.
- بمانیان، محمدرضا، جلوانی، متین، ارجمندی، سمیرا (۱۳۹۵)، «بررسی ارتباط میان پیکربندی فضایی و حکمت در معماری اسلامی مساجد مکتب اصفهان، نمونه موردی: مسجد آقانور، مسجد امام اصفهان و مسجد شیخ لطف‌الله»، دو فصلنامه مطالعات معماری ایرانی، شماره ۹، صص ۱۵۷-۱۴۱.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۳)، سبک‌شناسی معماری ایرانی، تهران: سروش دانش.
- حکمت، نصرالله، حاجی‌زاده، محبوبه (۱۳۹۱)، «نور در فلسفه سهروردی»، دو فصلنامه فلسفی شناخت، شماره ۶۶/۱، صص ۲۵-۷.
- دیباچی، سید محمدعلی (۱۳۹۰)، «جایگاه نور در حکمت اشراق»، فصلنامه اندیشه دینی شیراز، شماره ۳۹، صص ۲۰-۱.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۶۸)، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کاویانی، شیوا (۱۳۷۸)، روشن‌ان سپهر اندیشه: فلسفه و زیباشناسی رد ایران باستان، تهران: انتشارات کتاب خورشید.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۶)، کاشی‌کاری در معماری ایران دوره اسلامی، در تزئینات وابسته به معماری ایران دوره اسلامی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

معماریان، غلامحسین (۱۳۸۴)، سیری در مبانی نظری معماری، تهران: سروش دانش.